خبر روز

شهاب حسینی: هنوز کار بزرگی درباره امام حسین(ع) انجام نداده‌ایم

شهاب حسینی، راوی فیلم «کربلا جغرافیای یک تاریخ» در مراسم اکران و قدردانی از عوامل این فیلم گفت: خوشحالم در اثر «کربلا جغرافیای یک تاریخ» ایفاگر نقشی هرچند تنها با صدا بودم. همیشه به این جمله فکر می‌کنم که خداوندا چگونه زیستن را به من بیاموز چگونه مردن را خود خواهم آموخت. اما راه امام حسین(ع) این دیدگاه را در ذهن من برعکس کرد، این‌گونه که امام حسین(ع) به ما یاد داد خداوندا چگونه مردن را به من بیاموز، چگونه زیستن را خود خواهم آموخت.

شهاب حسینی که سابقه بازی در دو فیلم عاشورایی دیگر «من و زیبا» و «دل‌شکسته» را هم در کارنامه فعالیت‌های هنری‌اش دارد، افزود: اگر چنین شخصیت عظیمی در هر قوم و ملتی وجود داشت، تا به حال صدها اثر ارزشمند درباره‌اش تولید شده بود، اما متأسفانه ما هنوز هیچ‌کار بزرگی درباره این امام بزرگوار انجام نداده‌ایم. امیدوارم به مدد خود آقا امام حسین(ع) اراده‌ای مبنی بر این مهم شکل بگیرد.

بهروز غریب پور
نویسنده و کارگردان

زهره کهندل | اپرای «عاشورا» در پانزدهمین سال تولید آن، امسال با بازآفرینی و طراحی جدیدی در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. به گفته بهروز غریب‌پور، این اپرا در متن هیچ تغییری نکرده و تنها به‌خاطر فضای جدید صحنه‌ای (تالار وحدت) بازآفرینی نو در اجرا خواهد داشت. بهزاد عبدی آهنگساز و محمد معتمدی، مصطفی محمودی، محمدرضا صادقی و... آوازگران اپرای عاشورا هستند. این اپرای فاخر هنری به همت بنیاد رودکی و همکاری گروه تئاتر عروسکی آران از ۱۹ مردادماه روی صحنه می‌رود و تا سه روز اجرای قطعی روی صحنه دارد و پس از آن به‌تدریج برای شب‌های بعدی بلیت فروخته خواهد شد.

درباره جزئیات بیشتر اپرای عاشورا که برای نخستین بار در سال ۸۷ روی صحنه رفت و امسال اجرایی نو را پیش رو خواهد داشت با «بهروز غریب پور» نویسنده و کارگردان این اثر و خالق اپرای ملی گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

گفت‌وگو با «بهروز غریب‌پور» نویسنده و کارگردان اپرای «عاشورا»

اپرای عاشورا مَطلع اپرای ملی ماست

■ اپرای عاشورا که آخر این هفته به روی صحنه می‌رود با تغییراتی نسبت به اجراهای قبلی همراه خواهد بود؟

اپرا هیچ تغییری در متن ندارد بلکه اجرای متفاوتی را روی صحنه خواهیم برد. در نمایش‌های قبلی این اپرا در تالار فردوسی به‌گونه‌ای اجرا می‌کردیم که تمام حرکات و اعمال بازی‌دهنده‌ها پنهان بود تا لحظات آخر اپرا که از پشت صحنه چگونگی اجرای بازی‌دهنده‌ها را رونمایی می‌کردیم. وقتی از ما برای این اپرا در تالار وحدت دعوت شد یک نوع اجرایی را برای کار پیش‌بینی کردیم که برای اجراهای اروپایی انجام می‌دادیم بنابراین آنچه روی صحنه می‌بینیم، چیزی است که قبلاً پوشیده بود و دیده نمی‌شد؛ این بار با حضور تیم بازی‌دهندگان، اتفاقی جدید در اجرا خواهد افتاد ولی متن کار هیچ تغییری نکرده است.

■ در واقع مخاطبان شاهد بازآفرینی جدیدی در اجرای اپرای عاشورا خواهند بود؟

همین‌طور است؛ این بازآفرینی شامل تصاویر، نورپردازی و بازی‌دهندگی متناسب با صحنه بزرگ تالار وحدت است. البته ما پیش از این در سالن‌هایی بزرگ‌تر از تالار وحدت هم اجرا کردیم مثلاً اپرای رستم و سهراب را در آرژانتین و رم به شیوه اجرا در تالار فردوسی و یا اپرای عاشورا را در ایتالیا به همین شیوه روی صحنه بردیم ولی این بار، یک نوآوری براساس ذات و ماهیت تعزیه را پیش‌بینی کردیم که امیدوارم حرکت متفاوتی باشد.

■ تغییری در آواگران هم ایجاد شده است؟

خیر، ما براساس پلی‌بک اجرا را انجام می‌دهیم و هر آنچه در اجرای اول اپرا وجود داشته در اجرای پس از ۱۴ سال نیز همان خواهد بود، یعنی نه خواننده‌ای تغییر کرده و نه موسیقی اثر. نمایشی که در تالار وحدت داریم، اجرایی کاملاً جدید است تا بتوانیم چهره دیگری از توان اجرایی یک گروه تئاتر عروسکی را به نمایش بگذاریم.

■ اهمیت فرم هنری اپرا در ارائه مفاهیم دینی همچون واقعه عاشورا چیست؟

روشنفکران، پژوهشگران و فرهنگ‌پژوهان ما درباره تعزیه این نظر را داشتند که هنری عامیانه است و توسط شاعران گمنام نوشته می‌شود، ضمن اینکه دارای امتیازاتی از نظر فاصله‌گذاری آواگر با نقش و تجسم توده مردم از یک واقعه بزرگ تاریخی است اما هرگز کسی توجه نکرد تعزیه، اپرای ملی ماست زیرا دارای چند وجه مشترک با اپراهای مدرن و کلاسیک جهان است. متن منظوم است، بازیگران و خواننده‌ها، نقش‌ها را ایفا می‌کنند و موسیقی در سرتاسر کار وجود دارد. در زمان قاجاریه تصور این بود می‌شود به‌تدریج این ساختار را به ساختاری تبدیل کرد که بتوان هرمضمون و محتوای ملی را در آن گنجاند ولی این تلاش ناکام ماند چون در دوره رضاشاه ممنوعیت اجرای تعزیه، قطعی شد. تعزیه‌خوان‌ها به روستاها و نقاط دوردست کوچ نموده و تعزیه را به صورت پنهانی اجرا کردند. در زمان پهلوی دوم آزادی عمل نسبی به وجود آمد به طوری که تعزیه در جشن هنر شیراز هم اجرا شد و با وجود محدودیت‌هایی که داشت، کمی جان گرفت اما روشنفکران به آن اعتنایی نکردند که می‌شود با پالایش تعزیه، این هنر را به سکو و بستری برای اپرای ملی تبدیل کرد. زمانی که «اپرای عاشورا» را روی صحنه بردیم، در جایی گفتم راه نجات اپرای ملی از تعزیه می‌گذرد و نتیجه اجرای عاشورا و استقبال تماشاگران از آن علاوه بر ایران در فرانسه، لهستان، ایتالیا و دیگر کشورها مرا بیشتر تشویق کرد با همین ساختار از آواگران، ردیف‌های آواز و موسیقی ایرانی، اپرای مولوی، اپرای حافظ، اپرای سعدی، اپرای خیام، اپرای عشق و... را بسازم. از این منظر، اپرای عاشورا مطلع اپرای ملی ماست. ضمن اینکه سعی کردم این را جا بیندازم که چرا اسم این هنر «اپرا»ست چون یک اسم علمی است مثل فیلم و سریال. اسامی دیگر پیش از این شکست خورده بود. زمانی میرزاده عشقی به جای «اپرا» از «آهنگین‌نامه» یا «نمایش‌های آهنگین» استفاده کرد ولی هیچ کدام تأثیر عنوان «اپرا» را نداشت. ضمن اینکه من می‌خواستم به جامعه اعتماد به‌نفس بدهم که آنچه غربی‌ها طی پنج قرن به دست آورده اند، ما هم از قرن‌های گذشته داشتیم، باید از تجارب خوب آن‌ها بهره ببریم و با شناختی که داریم زمینه انتقال مضامین عرفانی و مذهبی را به شکل اپرا روی صحنه فراهم کنیم که شکر خدا انجام شد. به همین دلیل اپرای عاشورا امسال وارد پانزدهمین سال حیاتش می‌شود.

■ رمز ماندگاری این اپرا را چه می‌دانید؟

به‌نظرم رمز ماندگاری آن نسبت دقیقی است که با مخاطبش دارد، یعنی از نظر محتوایی و موسیقایی با ذهنیت مخاطب متفاوت نیست. به محض اینکه اپرای عاشورا روی صفحه من در فضای مجازی رفت، هزاران نفر آن را به صورت خودجوش به اشتراک گذاشتند، این نشان می‌دهد من از یک احساس و تمایل ملی رونمایی کردم که قبلاً نادیده گرفته شده بود. اکنون این راه باز شده و با مشکل استقبال نکردن مخاطب مواجه نمی‌شویم.

■ با توجه به قدمت طولانی تعزیه‌خوانی در کشورمان، می‌توان گفت در هنر اپرا هم دارای پیشینه هستیم؟

بله، اصلاً اولین اپرای ملی ما که تعزیه است، قدمت ۴۰۰ ساله دارد. جالب اینکه بیشتر از اینکه رجال سیاسی و فرهنگی ما به تعزیه توجه نشان دهند، سیاحان و دیپلمات‌های غربی متوجه شدند چه اتفاق بزرگی در ایران ریشه داشته است. کنت دوگوبینو، خاورشناس فرانسوی می‌گوید در میدان نقش جهان، صحنه نبرد عاشورا را دیدم، ۲ هزار نفر درحال شمشیربازی بودند و پس از پایان اجرا، خون از دماغ کسی بیرون نیامد بس که این‌ها حرفه‌ای بازیگری می‌کردند. چون آن زمان اعتماد به‌نفس نداشتیم فکر می‌کردیم کار خاصی نیست. البته در برخی تعزیه‌ها، اضافات و خرافاتی هم بود که نیاز به پالایش داشت. مگر در اپراهای اول غربی، صحنه‌های اضافی و الحاقات نامناسب وجود نداشت؟ به‌هرحال در گذر زمان اصلاح شد. در مورد تعزیه چون اعتماد به‌نفس کافی وجود نداشت، امتیازات اولیه به مرور زمان حذف شد یعنی نظم تبدیل به نثر شد و موسیقی تعزیه را از بین بردند ولی من این امتیازات را به آن برگرداندم. مثلا اُشتلم‌خوانی تعزیه (پهلوان‌خوانی یا اشقیاخوانی) را در اپرای حافظ تکرار کردم. طبیعی است این اتفاق در فرهنگ نمایشی ما مؤثر است.

■ پس اپرای ملی به مؤلفه‌های اولیه تعزیه نزدیک‌تر است؟

دقیقاً همان است و مؤلفه‌های تعزیه همان امتیازات اپراست. اپرا در غرب هم از یک گذرگاه پرپیچ و خم عبور کرده است، یعنی از یونان باستان، بازیگران دیالوگ‌های منظوم داشتند و آواگری می‌کردند. اپرا در معنا یعنی اجرا که این اجرای دراماتیک در قرن هجدهم و به‌ویژه نوزدهم، جایگاه خودش را پیدا کرد. چون این اتفاق در ایتالیا رخ داد می‌گفتند ایتالیا مادر اپراست و کم‌کم در دیگر کشورها پا گرفت. در زمان محمدرضا شاه هم سعی کردند از اپرای غربی تقلید کنند و تلاش آهنگسازان ایرانی مبتنی بر تقلید بود، مثلاً نوع خوانش متن «بل کانتو» که نوع خوانش اپرای غربی بود در اجراها انجام می‌شد در حالی که اگر شعر حافظ را به صورت بل کانتو بخوانید تمام ظرافت متن و جنبه‌های قدسی و زیبایی‌شناسی فاخر این شعر را از بین می‌برید. این هنر در کشورهای دیگر هم با آزمون و خطاهایی همراه بود تا امروز شاهد هنر جامعی باشیم که با استقبال مخاطب روبه‌رو شده است.

■ واکنش مخاطبان خارجی و غیرمسلمان اپرای عاشورا در اجراهای بین‌المللی چه بود؟

بسیار مثبت بود به طوری که در جشنواره «شارله ویله مزیه» فرانسه که در سال ۹۰ برگزار شد از ما تقاضا کردند بر میزان اجراهایمان اضافه کنیم. در این اجرا می‌دیدیم تماشاگران در حین اجرای اپرا، گریه می‌کردند و پس از پایان اجرا از من می‌پرسیدند این حسین کیست؟ این اپرا در شرایطی روی صحنه‌های بین‌المللی رفت که دشمنان می‌گفتند ایران به دنبال جنگ است ولی تماشاگران اپرای عاشورا به من می‌گفتند این اپرا، اپرای صلح است و ضد جنگ. ما در لهستان و ایتالیا هم اجرا داشتیم و همین‌طور از کارمان استقبال شد ولی کم‌کاری مسئولان سبب شد به چند اجرای محدود بین‌المللی بسنده کنند در حالی که اگر اپرا در غرب تولید شده بود سرمایه‌گذاری می‌کردند که تمام دنیا آن را ببینند. به‌هرحال افتخار می‌کنم اپرای عاشورا به نام من ثبت شده است و امیدوارم دوام پیدا کند.

گزارش روز
به بهانه بازپخش سریال‌های قدیمی

دست در کیسه آرشیو

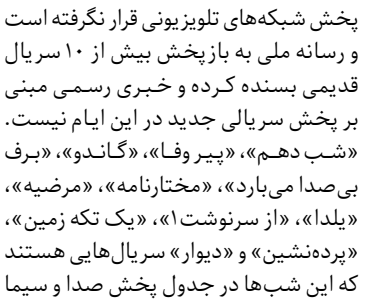

کهندل | تلویزیون در این سال‌ها از ریزش مخاطبانش گله دارد اما پیکان این گلایه را باید به سوی خودش بگیرد. هر ساله مناسبت‌های ملی و مذهبی مشخصی وجود دارد که توقع از تلویزیون، آماده‌سازی خوراک خوب فرهنگی برای مخاطب در این ایام است؛ یکی از مناسبت‌های مهم برای مردم ما و شیعیان سراسر جهان، ماه‌های محرم و صفر و روزهای تاسوعا و عاشوراست.

مجموعه‌های نمایشی همچون سریال، مینی‌سریال و تله‌تئاتر هم از فرم‌های جذاب و پرمخاطب در تلویزیون است که علاوه بر جنبه سرگرمی می‌توانند به نیاز مخاطب برای دریافت محتوای خوب مناسبتی پاسخ دهند اما امسال هیچ سریال جدیدی در فهرست پخش شبکه‌های تلویزیونی قرار نگرفته است و رسانه ملی به بازپخش بیش از ۱۰ سریال قدیمی بسنده کرده و خبری رسمی مبنی بر پخش سریالی جدید در این ایام نیست. «شب دهم»، «پیر وفا»، «گاندو»، «برف بی‌صدا می‌بارد»، «مختارنامه»، «مرضیه»، «یلدا»، «از سرنوشت۱»، «یک تکه زمین»، «پرده‌نشین» و «دیوار» سریال‌هایی هستند که این شب‌ها در جدول پخش صدا و سیما قرار دارند و از شبکه‌های مختلف روی آنتن می‌روند.

پیش از این خبرهایی مبنی بر پخش سریال‌های جدید «شب آخر» به کارگردانی مهسا فتحعلی و مجموعه «زخم و خنجر» به کارگردانی حسین گنج‌خانی برای پخش از شبکه۲ منتشر شد اما در دهه اول محرم، اثری از این دو سریال در فهرست پخش تلویزیون وجود ندارد و زمان قطعی پخش آن‌ها هم مشخص نیست. سریال «عشق کوفی» هم به کارگردانی حسن آخوندپور چند روز پیش از آغاز ماه محرم کلید خورد و بعید است پخش آن به امسال برسد.

تلویزیون در این سال‌ها سریال محرمی فاخری تولید نکرده و آن قدر به بازپخش سریال‌های تکراری یکی دو دهه پیش اکتفا کرده است که دیگر آرشیو سریال‌هایش خاک نمی‌خورد! صدا و سیما بدون اینکه ریالی برای تولید سریال جدید هزینه کند با پخش آگهی در بین سریال‌های قدیمی، سود کرده و در فراری رو به جلو، دلیل بازپخش این سریال‌ها را درخواست‌های مکرر مردمی عنوان می‌کند.

آرزوی «ارشا اقدسی» برای تأسیس مدرسه بدلکاری

فرزانه موجودی در مراسم سالگرد درگذشت فرزندش «ارشا اقدسی» گفت: او بدلکاران را لایق جایزه سینمایی می‌دانست و نادیده گرفتن این صنف پرخطر را غیرقابل توجیه می‌خواند و دوست داشت مدرسه بدلکاری برای نیروهای مستعد ساخته شود. در جشن حافظ نخستین جایزه در این رشته به او تعلق گرفت اما خود ارشا در این مراسم حضور نداشت. همچنین برخی جایزه‌ها و یادگاری‌های او به موزه سینما اهدا شد و هم اکنون پسرم در موزه سینما دارای گنجینه است.

فرهنگ و هنر